

تحلیلی فضایی از تعادل ساختار جمعیتی در کلانشهر مشهد، (مطالعه موردی نواحی شهری)

فصلنامه جمعیت، بهار ۹۱

رحیم بردی آنا مراد نژاد

• عضو هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه مازندران

محمود عیوضلو

• دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان

فرشته رضایی

• دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه پیام نور ساری

داود عیوضلو

• دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران

چکیده

یکی از بنیادی ترین اصول برنامه‌ریزی و مدیریت شهری توجه به تغییر و تحولات جمعیتی و شناخت کافی از ساختار جمعیتی آن می‌باشد. با توجه به اینکه تاثیر تحولات تاریخی و عوامل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی بر تعادل ساختار جمعیتی در تمام نقاط شهر به یک اندازه نیست، شاهد وجود تباينات فضایی در ساختار جمعیتی نواحی شهری هستیم. این موضوع منجر به شکل‌گیری نیازهای متفاوت در بین نواحی شهری می‌شود. در این راستا جهت ارتقای ضریب برخورداری و تامین رفاه شهروندان و سیاست‌گذاری در توزیع خدمات شهری، شناخت این تباينات ضروری بنظر می‌رسد. این مقاله با هدف شناسایی مهمترین شاخص‌های جمعیتی و تباينات فضایی آنها در بین نواحی ۴۴ گانه شهر مشهد به عنوان دومین کلانشهر کشور صورت گرفته است. در این راستا از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته شده و جهت جمع‌آوری داده‌ها از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است. برای تبیین رابطه بین متغیرهای مورد بررسی، با استفاده از آزمون‌های همبستگی و آزمون t، در قالب نرم افزار SPSS، به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته ایم. همچنین جهت نمایش تفاوت‌های فضایی با کمک نرم افزار GIS، نقشه‌های لازم تهیه شد و به منظور درک بهتر ساختار فضایی جمعیت و نحوه استقرار آن در بین نواحی شهری، هر یک از شاخص‌های مورد بررسی، در سه گروه طبقه‌بندی شده است. نتایج تحقیق نشان دهنده رابطه معنی‌دار بین ساختار جمعیتی با نحوه توزیع امکانات و خدمات شهری و همچنین روند رشد توسعه کالبدی شهر می‌باشد.

واژگان کلیدی: تباينات فضایی، ساختار جمعیت، نواحی شهری، مشهد مقدس

• مقدمه

امروزه اکثر کشورهای جهان تلاش می نمایند تا سیاست جمعیتی معینی را با توجه به اوضاع جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور خود اتخاذ کنند (نورالهی و فتحی، ۱۳۸۵). در سیاست گذار پهای مربوط به جمعیت کوشش بر آن است که بین اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی از یک سو و مسائل جمعیتی از سوی دیگر هماهنگی لازم در بهره گیری از منابع نیروی انسانی به عمل آید. این بهره گیری یک سویه نیست بلکه در اهداف سیاست های جمعیتی ایجاد رفاه برای جامعه در درجه اول اهمیت قرار دارد. در بسیاری از مطالعات جمعیتی و اغلب برنامه ریزی های اجتماعی که به نوعی به جمعیت مربوط می شود تعداد جمعیت از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از آنجا که شناخت تغییر و تحول عددی جمعیت ها در طول زمان طولانی تر می شود، تفاوت های تغییر و تحول عددی جمعیت ها ارزش و اهمیت بیشتری می یابد (زنجانی ۱۳۷۸: ۱۵). با توجه به مطالب ذکر شده آگاهی از نقاط قوت و ضعف ویژگی های جمعیتی نواحی شهری، قبل از هر گونه تصمیم سازی، ضرورت اجتناب ناپذیری است. استفاده از شاخص های جمعیتی، اجتماعی، رفاهی و اقتصادی می تواند معیار مناسب برای تعیین جایگاه نواحی و نیز عاملی جهت رفع مشکلات و نارساییها برای نیل به رفاه اقتصادی و سلامت اجتماعی در فرآیند توسعه باشد. در راستای ارتقای ضریب برخورداری و تامین رفاه شهروندان، شناخت تفاوت های فضایی جمعیت شهری ضروری بنظر می رسد. مطالعات جمعیتی می تواند مبنای مناسبی برای توزیع امکانات و خدمات برای مدیران شهری قلمداد شود، زیرا قادر است به عنوان یکی از پایه های برنامه ریزی فضایی، نیازمندیهای مناطق را در یک ارزیابی نسبی تعیین و به منظور آمایش توسعه فضایی به کار آید. شهر مشهد به عنوان دومین کلان شهر کشور در قالب ۴۴ ناحیه دارای ویژگی های کالبدی، فرهنگی و اجتماعی متفاوتی است. در این مقاله تلاش می شود تا ضمن تفکیک و سطح بندی نواحی شهری مشهد از لحاظ برخی شاخص های جمعیتی به این دو سوال اساسی پاسخ داده شود که آیا ساختار جمعیتی در سطح نواحی شهر مشهد بصورت یکسان و همگن می باشد؟ آیا توزیع امکانات در شهر تابعی از توزیع جمعیت است؟

• مبانی نظری

جمعیت به عنوان یکی از عناصر بنیادی در برنامه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محسوب می شود. بر این اساس آگاهی از چند و چون جمعیت و شناخت ساختار، ابعاد و گسترده گی فضایی آن از ابزارهای مهم تصمیم گیری و برنامه ریزی به شمار می رود (مهدوی، ۱۳۷۳: ۶۱). یکی از مهمترین بخش های جمعیت شناسی مطالعات جغرافیایی آن است که به بررسی پخشایش جمعیت در پهنه مکانی می پردازد که در این پخشایش عواملی چون موقعیت جغرافیایی، توپوگرافی، اقلیم، منابع آب، خاک و درجه حاصلخیزی آن، پوشش گیاهی، معادن، عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی (فلمن و همکاران، ۱۹۹۰: ۱۱۹) و تمرکز فعالیت های اقتصادی در مناطق مساعد از نظر طبیعی و وجود راه های ارتباطی مناسب (شاطریان، ۱۳۸۲، ۷۲). موثر می باشد. بطور کلی در شکل یابی ساختار جمعیت در حوزه های اجتماعی عوامل مختلفی نقش دارند که در زیر به مباحث منطقه بندی و ساختار جمعیت، اکولوژی تطبیقی و حوزه های اجتماعی و منزلت اجتماعی و شکل گیری ساختار جمعیت نواحی شهری پرداخته می شود:

• منطقه‌بندی و ساختار جمعیت

منطقه‌بندی در واقع استفاده منطقی و نظام پذیر از زمین‌های شهری در آینده است (الایی، ۱۳۸۷: ۳۹۴). واژه منطقه‌بندی عمدتاً در دو جنبه اختصاص زمین برای اهداف ویژه و کنترل کاربرد ارتفاع و ساختمان سازی مفهوم می‌یابد. جنبه بعدی به نظم در تراکم جمعیت معطوف می‌گردد (زیاری، ۱۳۸۱: ۸۱). منطقه‌بندی قسمت‌های مختلف شهری را برای هدف‌های خاصی از یکدیگر مجزا می‌سازد و از تداخل مناطق مجاور هم جلوگیری می‌کند (هیراسکار، ۱۳۷۶: ۶۵). منطقه‌بندی برای ارتقاء مجموعه‌ای از اهداف قانونی طراحی شده است و به منظور حفاظت و ارتقاء وضعیت بهداشت، ایمنی و رفاهی جامعه بکار می‌رود (widner، ۲۰۰۳: ۱). یکی از اهداف تقسیمات کالبدی شهر، توزیع مناسب امکانات و خدمات و کاربری‌های مختلف با توجه به نیازهای جمعیت در سطح نواحی مختلف شهری است (خاکپور، ۱۳۸۵: ۵۸۶). افزایش جمعیت در شهرهای بزرگ از یک طرف و نارسایی مدیریت شهری در پاسخگویی به نیاز شهروندان از سوی دیگر کاهش عدالت شهری را در پی دارد. جامعه شناسان شهر را ترکیبی از فضا و روابط سیستمی می‌دانند که می‌تواند نیازهای مردم را از لحاظ خدمات، منابع، تولیدات، جاذبه‌ها و غیره تامین نماید و این ترکیب با توجه به محدودیت فضایی و خدماتی می‌تواند زمینه ساز روابط اجتماعی و تعاملات مثبت یا منفی مردم با مدیریت شهری گردد (ربانی، ۱۳۸۱: ۵). بدین ترتیب اصول عدالت اجتماعی ایجاب می‌کند که سازمان فضایی و الگوی سرمایه‌گذاری‌های منطقه‌ای به نحوی باشد که نیازهای جمعیت را پاسخ گوید. این امر مستلزم یافتن روشی برای تعیین و سنجش نیازها است. تفاوت میان نیازها و تخصیص واقعی منابع، راهی برای ارزشیابی میزان بی‌عدالتی منطقه‌ای در وضع موجود است (هاروی، ۱۳۸۶: ۱۰۳). مسئله‌ی مهم در آمایش و برنامه‌ریزی فضایی این است که تفکیک فضایی با تفکیک اجتماعی به طور همزمان مد نظر قرار گیرد و رابطه این دو بخوبی ادراک شود. بر این اساس مرزهای جغرافیایی و سازمانی، معنای اجتماعی پیدا می‌کند، به طوری که می‌توان تفاوت‌های معناداری از لحاظ بسیاری از متغیرهای اجتماعی بین مرزهای مناطق کشف نمود (بهروان، ۱۳۸۵: ۵). در این میان مطالعات جمعیتی بسیار اهمیت دارد، چه آن که جمعیت را پدیده‌ای می‌داند که همواره در حال دگرگونی است و این دگرگونی به دو صورت تحرک مکانی و تحرک زمانی تغییری همیشگی خواهد داشت (نیک خلق، ۱۳۷۴: ۴۵).

• اکولوژی تطبیقی و حوزه‌های اجتماعی

کیفیت مطالعه در اکولوژی تطبیقی، تاکید بر روی تجزیه و تحلیل تکنیک‌های دموگرافیکی، اجتماعی-اقتصادی و اطلاعات مربوط به واحدهای مسکونی در یک محله، در یک قطعه و در یک منطقه شهری و یا مناطق داخلی شهر است. از طرفی عوامل دیگری نیز در اکولوژی تطبیقی اساس کار قرار می‌گیرد که تفاوت‌های موجود میان خانواده‌ها را در محلات و مناطق مختلف شهری معلوم می‌دارد. این تفاوت‌یابی در شاخص‌های مربوط به نسبت باروری، تعداد مجردین، نسبت زنان در نیروی کار، میزان بیوه زنان، نسبت مالکین خانه، جوانی جمعیت، نسبت متاهلین در سنین جوانی به عنوان پایگاه خانوادگی بررسی می‌گردد. از نظر سکونت در مناطق مختلف شهری، بخش‌های قدیمی شهرها، جمعیت سالخورده‌ای دارند و بخش‌های نوساز بیشتر به گروه سنی جوان و میانسال تعلق دارد. خانواده‌های جوان و مالک خانه معمولاً از بخش مرکزی شهرها فاصله بیشتری می‌گیرند (شکویی،

۱۳۷۲: ۸۹، ۹۰). در این تحقیق ناحیه‌های شهری کلانشهر مشهد به عنوان حوزه‌های اجتماعی مطالعه می‌گردد که مبحث اصلی مورد توجه در آن فاصله اجتماعی میان حوزه‌های آن است و میزان درک گروه‌های انسانی از منطقه سکونتی همدیگر در حوزه‌های اجتماعی با عوامل چندی از قبیل عامل اقتصادی، اجتماعی و روانی بستگی دارد (شکویی، ۱۳۷۲: ۲۰۴).

• منزلت اجتماعی و شکل‌گیری ساختار جمعیت نواحی شهری

هر جامعه شهری به هر وسعتی که باشد مردم آن علاقه‌مندند که در مجاورت گروهی زندگی کنند که منزلت اجتماعی برابر با آن‌ها دارند، ازین رو محلات شهری از یکدیگر متفاوتند. گروه‌های کم درآمد، در محلات عقب مانده زندگی می‌کنند و گروه‌های پردرآمد، محلات و حومه‌های سالم و زیبای شهرها را انتخاب کرده‌اند. طبقه متوسط شهری، جای مخصوص به خود دارد. پس جامعه شهری از حوزه‌های اجتماعی متفاوت و پیچیده‌ای تشکیل می‌شود (شکویی، ۱۳۷۲: ۴۲) که منجر به جدایی‌گزینی نیز می‌شود. جدایی‌گزینی اکولوژیکی باعث می‌شود هر گروهی با پایگاه اقتصادی و اجتماعی برابر، معتقدات مذهبی یکسان و یا هم نژاد بودن، گرد هم آیند و منطقه یا محله‌ای جهت سکونت خود انتخاب کنند و یا از روی اجبار به زندگی در محله‌ای که جامعه شهری برای آن‌ها تعیین کرده است تن در دهد. به موازات جدایی‌گزینی، هر یک از محله‌های شهری مشخصات ویژه‌ای به خود می‌گیرد و از چهره و بافت معینی تبعیت می‌کند که با سایر محله‌های شهری تفاوت دارد (شکویی، ۱۳۷۲: ۲۹). هر انسانی برای زندگی محتاج به مقدار معینی فضا و مکان است که در آن فعالیت‌های بدنیش جریان داشته باشد. شکل فاصله مکانی و فضایی هر فرد از سه حالت خارج نیست یا بصورت منظم با دیگران فاصله دارد مانند صفوف رژه یا به طرز قرار گرفتن صندلی‌های کلاس‌ها، یا بصورت پراکنده و یا بشکل مجتمع. این فاصله‌های اکولوژیکی در بقاء رشد و زوال جمعیت انسانی بسیار موثر هستند و گاهی بصورت عامل عمده در می‌آیند. تجمع بیش از حد باعث بهم خوردن تعادل مکانی فرد شده و منجر به بروز رفتارهای غیرانسانی و مضر می‌گردد (ادیبی، ۱۳۵۴: ۵).

• پیشینه تحقیق

بحث پیرامون ساختار جمعیتی در بین نواحی شهری به نحوی با عدالت اجتماعی و نابرابریهای فضایی مرتبط می‌باشد. با توجه به اینکه اختلافات فضایی بین مناطق موضوع اصلی جغرافیاست بدین جهت این موضوع بیشتر از طرف جغرافیدانان مورد تاکید قرار گرفته است. تفاوت‌های فضایی مناطق می‌تواند هم در سطح کلان و هم در سطح خرد مطرح شود. ولاری و کولیسلی در مطالعه‌ای به بررسی وضعیت فقر در کشورهای خاور میانه و جنوب آفریقا با استفاده از روش مولفه‌های اصلی پرداخته‌اند (valari & collicelli, ۲۰۰۰). در سطح کشوری، به سنجش درجه توسعه یافتگی استانهای کشور به لحاظ فرهنگی (زیاری، ۱۳۷۹) و از نظر کشاورزی (آنامرادنژاد، ۱۳۸۷) پرداخته شده است. در سطح استانی با هدف رتبه بندی و تعیین درجه توسعه یافتگی شهرستانها می‌توان به استان کردستان (کیانی، ۱۳۸۲)، استان آذربایجان شرقی (حکمتی، ۱۳۸۲) و خراسان (یاسوری، ۱۳۷۹) اشاره کرد. در بررسی بین مناطق داخل شهر می‌توان از پژوهشهای تحلیلی شاخص‌های توسعه یافتگی مناطق یازده

گانه اصفهان (ظهربابی و مختاری، ۱۳۸۵) بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت اصفهان (وارثی، رحمتی و باستانی، ۱۳۸۵) و تحلیل نابرابریهای اجتماعی در برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری اسفراین (حاتمی نژاد، فرهودی و جابری، ۱۳۸۸) نام برد.

در مقیاس شهر مشهد، بررسی تفاوت‌های فضایی در بین مناطق شهری با توجه به نحوه توزیع امکانات آموزشی، ورزشی، فضای سبز و... (خاکپور، ۱۳۸۵)، آمایش فرهنگی با استفاده از برخی متغیرهای فرهنگی بر مبنای عدالت اجتماعی در مناطق شهری (بهران، ۱۳۸۵) و همچنین در سطح نواحی شهری مشهد به تعیین درجه توسعه یافتگی بر اساس آنالیز تاکسونومی (شاهنوشی و همکاران، ۱۳۸۵) می‌توان اشاره نمود. بنابراین مشابه تحقیق حاضر که به تحلیل جمعیتی از نابرابری‌های فضایی در بین نواحی شهری کلانشهر مشهد پردازد، تاکنون انجام نشده است.

• سوالات تحقیق

آیا بین نواحی شهری از لحاظ شاخص‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی در این مقاله رابطه وجود دارد؟

آیا تعادل جمعیتی بین نواحی شهری، از لحاظ ساختار سنی وجود دارد؟

• فرضیه‌های تحقیق

- بین شاخص‌های سواد، بعد خانوار و سرانه زیربنا، در بین نواحی رابطه معنی دار وجود دارد.
- بین نواحی قدیمی شهر و نواحی جدید شهر در میزان جمعیت بالای ۶۵ سال رابطه معنی دار وجود دارد.

• روش تحقیق

مطالعه حاضر با روش توصیفی - تحلیلی نگارش یافته است و جهت جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است. داده‌های خام مربوط به مقاله از مرکز آمار و اطلاعات شهرداری مشهد تهیه شده است که بر مبنای سرشماری سال ۱۳۸۵ می‌باشد. شهر مشهد دارای ۱۳ منطقه و ۴۴ ناحیه می‌باشد که در این مقاله ناحیه حرم مطهر در منطقه ثامن و قطاع یک آن بدلیل قرابت فضایی و شرایط خاص جمعیتی در داخل محدوده حرم مطهر، با هم تلفیق شده اند. به منظور بررسی ویژگی‌های فضایی جمعیت نواحی شهر مشهد، شاخص‌ها به سه دسته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم شدند. جهت محاسبه میزان همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه و آزمون t، از نرم افزار SPSS استفاده شده است. شاخص‌هایی که به منظور تعیین سطح اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نواحی شهری به کار رفته عبارتند از: شاخص‌های جمعیتی (درصد جمعیت زیر ۱۵ سال، درصد جمعیت ۱۵ تا ۶۵ سال، درصد جمعیت بالای ۶۵ سال، بعد خانوار، تراکم جمعیت)، شاخص‌های فرهنگی (درصد باسوادی کل، درصد باسوادی زنان، درصد باسوادی مردان) و از سرانه زیر بنای مسکن خانوار نیز به عنوان شاخصی که نشانگر وضعیت اقتصادی شهروندان می‌باشد استفاده شده است.

• یافته‌های تحقیق

(۱) شاخص‌های جمعیتی:

طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت شهر مشهد با احتساب آبادی‌های داخل محدوده مناطق سیزده گانه شهرداری ۲۵۴۲۸۳۷ نفر می‌باشد. در بین نواحی شهری ناحیه سه از منطقه دو با ۱۷۰۶۴۲ نفر بیشترین تعداد جمعیت را در خود جای داده است. و ناحیه یک از منطقه ثامن نیز با ۱۵۴۱ نفر کمترین تعداد را در خود جای داده است که البته قسمت اعظم این ناحیه در داخل حرم مطهر امام رضا(ع) قرار دارد.

(۱-۱) بُعد خانوار

شاخص بعد خانوار نشان دهنده تعداد افراد یک خانوار می‌باشد. طبق تعریف مرکز آمار، خانوار از چند نفر تشکیل می‌شود که با هم در یک اقامتگاه زندگی می‌کنند، با یکدیگر هم خرج هستند و معمولاً با هم غذا می‌خورند، فردی که به تنهایی زندگی می‌کند نیز یک خانوار تلقی می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۴). بر مبنای این تعریف تفاوت‌های فاحشی بین نواحی شهری ملاحظه می‌گردد. ناحیه پنج از منطقه هفت با ۵,۳۴ نفر بیشترین میزان بعد خانوار را دارد و ناحیه یک از منطقه هشت با ۳,۳۸ نفر وضعیت مناسب تری را در بین نواحی شهری داراست.

(۱-۲) ساختار سنی جمعیت

دانشمندان و سازمان‌های تحقیقات جمعیتی زیادی برای تعیین درجه پیشرفت یا توسعه کشورها از عامل گروه‌های سنی که در قالب درصد بیان می‌شود استفاده می‌کنند (نظری، ۱۳۸۲: ۳۹). ساختار گروه‌های سنی جمعیت، معرف وضعیت کل هر سرزمین یا کشوری است که آن جمعیت در بسترش به حیات خود ادامه می‌دهد (نظری، ۱۳۸۲: ۳۱). تحلیل ساختار یا ساختمان سنی، یکی از موضوعات مهم و بنیادی در مطالعات جغرافیای جمعیت هر منطقه است که متأثر از وضع کمی زاد و ولد است. ساختار سنی جمعیت در بسیاری از کشورها، اساس برنامه‌ریزی اجتماعی و اقتصادی را تشکیل داده، زیرا که غالب طرح‌ها و برنامه‌هایی را که کشورها به اجرا در می‌آورند متأثر از این ساختار می‌باشد. بی‌توجهی به اختصاصات و درصدهای جمعیتی در هر گروه سنی موجب ناهماهنگی در برنامه‌ریزی‌ها، به نتیجه نرسیدن طرح‌ها و بروز کاستی‌ها و در نهایت رویداد ناهنجاری‌های متعدد در مراکز مختلف جمعیتی خواهد شد (موسسه جغرافیا، ۱۳۷۲: ۸). از آنجایی که سن یکی از متغیرهای اصلی در جمعیت‌شناسی است و به طوری که توانایی‌ها، قابلیت‌ها، نیازها و ویژگی‌های جسمانی و رفتاری هر گروه سنی با یکدیگر متفاوت است، به ویژه از نظر اقتصادی ترکیب سنی جمعیت بر ساختارهای اقتصادی جامعه تاثیر می‌گذارد، بر این اساس لازم و ضروری است ساختار سنی جمعیت بررسی شود (پورا احمد، شمعی، ۱۳۸۰: ۱۸). در این مقاله ساختار جمعیتی مناطق بر اساس گروه‌های عمده سنی مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس ۳۳,۴۸ درصد از جمعیت ناحیه چهار از منطقه چهار زیر پانزده سال هستند که این موضوع نشانگر شدت جوانی جمعیت در این ناحیه است همچنین بیانگر میزان مولید بالا نیز هست. در بین

نواحی، ناحیه یک منطقه ثامن با ۷۹,۶۲ درصد، جمعیت فعال بالاتری دارد. این ناحیه جمعیت جوان کمتری نیز دارد (۱۲,۶۵ درصد). البته دلیل این موضوع همانطور که اشاره شد به خاطر موقعیت جغرافیایی آن می باشد که در محدوده حرم مطهر واقع گردیده است. این در حالی است که بقیه نواحی منطقه ثامن به خاطر قدمت تاریخی آن، جمعیت بالای شصت و پنج سال بیشتری دارد. ناحیه چهار آن با ۱۱,۴۶ درصد پیرترین ناحیه شهری محسوب می شود.

۳-۱) تراکم جمعیت

«تراکم جمعیت» از رابطه بین افراد و فضای تحت اشغال آنها بدست می آید (والابی، ۱۳۸۷: ۱۱۵). هر چند ملاک دقیقی برای بررسی الگوی فضایی استقرار جمعیت نیست، ولی میزان آن تا حد زیادی بازگو کننده توان جمعیت پذیری مکانهاست (Robertson, ۱۹۷۱: ۱۳۴). بررسی ها در مورد تراکم جمعیت در بین نواحی شهری بیانگر این است که متراکم ترین نواحی در غرب و شمال غرب مشهد واقع هستند. ناحیه سه از منطقه شش ۳۲۵ نفر در هکتار را در خود جای داده است. تراکم در ناحیه یک از منطقه دوازده، ۱۰ نفر در هکتار هست. این ناحیه در سمت و سوی توسعه شهر قرار دارد و در سالهای اخیر شاهد ساخت و سازهای بیشتری در این ناحیه بوده ایم (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: شاخص های جمعیتی مورد مطالعه به تفکیک نواحی شهرداری مشهد							
منطقه	ناحیه	جمعیت	بعد خانوار	جمعیت زیر ۱۵ سال	جمعیت ۱۵-۶۵ سال	جمعیت بالای ۶۵ سال	تراکم جمعیت
یک	۱	۴۸۹۶۶	۳,۳۹	۱۸,۳۹	۷۲,۲۶	۹,۳۵	۱۱۵
	۲	۶۰۹۹۸	۳,۴۷	۱۷,۷	۷۴,۵	۷,۸	۱۰۶
	۳	۶۲۵۸۳	۳,۴۹	۲۰,۷۹	۷۱,۹۶	۷,۲۵	۱۵۳
دو	۱	۴۰۷۸۱	۳,۵۳	۲۲,۴	۶۸,۷	۸,۹	۱۸۲
	۲	۴۸۶۰۹	۳,۶۷	۲۳,۳	۷۰,۸۵	۵,۸۴	۲۳۵
	۳	۱۷۰۶۴۲	۳,۷۷	۲۶,۹	۷۰,۱	۲,۸۹	۲۱۷,۵
	۴	۱۲۰۴۲۲	۳,۷۸	۲۴,۵	۷۲,۱۸	۳,۳۱	۱۳۱
سه	۱	۱۹۸۲۳	۳,۴۶	۲۲,۳۱	۶۸,۴۹	۹,۲	۱۴۹
	۲	۱۱۷۹۷۹	۳,۸۳	۲۳,۹۸	۷۰,۹۴	۵,۰۷	۱۹۳
	۳	۱۰۹۹۵۰	۳,۹۱	۲۹,۱۵	۶۷,۵۹	۳,۲۷	۱۹۵
	۴	۴۸۵۱۵	۳,۹۲	۳۲,۹۴	۶۵,۴۶	۱,۶	۱۴۶
چهار	۱	۴۳۴۵۵	۳,۹۵	۲۴,۳	۶۹,۳۸	۶,۳۲	۱۷۲
	۲	۵۷۹۷۳	۳,۹۴	۲۵,۸۳	۶۹,۴۳	۴,۷۴	۲۲۳
	۳	۵۷۴۱۳	۳,۹۷	۲۷,۴۹	۶۹,۱۸	۲,۳۴	۲۴۵
	۴	۸۴۳۷۸	۴,۱۶	۳۳,۴۸	۶۴,۱۴	۲,۳۸	۱۶۲

جدول شماره ۱: شاخص های جمعیتی مورد مطالعه به تفکیک نواحی شهرداری مشهد							
منطقه	ناحیه	جمعیت	بعد خانوار	جمعیت زیر ۱۵ سال	جمعیت ۱۵-۶۵ سال	جمعیت بالای ۶۵ سال	تراکم جمعیت
پنج	۱	۳۶۹۷۲	۳٫۹۵	۲۵٫۹۱	۶۸٫۸۴	۵٫۲۴	۴۸
	۲	۵۶۵۹۶	۴٫۴۲	۲۹٫۰۶	۶۷٫۲۱	۳٫۷۳	۱۹۵
	۳	۵۶۰۲۲	۴٫۶۵	۳۱٫۶۵	۶۴٫۶۴	۳٫۷۱	۱۰۲
شش	۱	۳۳۲۲۴	۳٫۸۵	۲۴٫۰۲	۶۹٫۲۵	۶٫۷۳	۱۷۳
	۲	۴۰۲۴۶	۳٫۹۵	۲۵٫۲۴	۷۰٫۳۱	۴٫۴۵	۵۶
	۳	۱۲۲۷۷۸	۴٫۱۷	۳۰٫۴۸	۶۵٫۹۶	۳٫۵۶	۳۲۵
هفت	۱	۴۶۳۶۳	۳٫۷	۲۳٫۴۲	۷۰٫۳۹	۶٫۲	۱۳۵
	۲	۴۵۶۷۴	۳٫۵۸	۲۲٫۹۶	۶۹٫۱۷	۷٫۸۷	۸۸
	۳	۴۸۰۹۳	۳٫۸۲	۲۶٫۹۳	۶۹٫۶۸	۳٫۲۹	۱۰۲
	۴	۴۸۵۰۷	۳٫۹۱	۳۰٫۵۶	۶۷٫۴۲	۲٫۰۲	۱۰۷
	۵	۴۴۵۲	۵٫۳۴	۲۵٫۲۲	۷۴٫۵۷	۰٫۲	۲۱
هشت	۱	۱۹۵۹۳	۳٫۲۸	۱۹٫۸۶	۶۹٫۶۴	۱۰٫۵	۶۳
	۲	۵۴۵۳۳	۳٫۶۱	۲۰٫۵۷	۷۱٫۸	۷٫۶۳	۸۶
	۳	۲۹۰۸۹	۳٫۵	۲۱٫۹۱	۷۰٫۱۴	۷٫۹۵	۱۲۰
نه	۱	۵۳۲۲۳	۳٫۹۴	۱۸٫۷۳	۷۷٫۷۶	۳٫۵۱	۱۱۵
	۲	۸۴۰۸۹	۳٫۷۴	۲۳٫۱۸	۷۳٫۲۳	۳٫۶۱	۹۷
	۳	۱۱۵۸۹۸	۳٫۶	۲۱٫۹	۷۴٫۴۴	۳٫۶۶	۱۲۶
ده	۱	۹۱۵۳۹	۳٫۸۶	۲۴	۷۳٫۴	۲٫۴	۱۰۲٫۵
	۲	۵۸۸۵۷	۳٫۸۴	۲۱٫۷۱	۷۵٫۷۳	۲٫۵۷	۱۱۷
	۳	۶۵۲۹۰	۳٫۸۶	۲۵٫۰۳	۷۳٫۰۶	۱٫۹۲	۱۲۷
یازده	۱	۷۹۷۳۶	۳٫۶۴	۱۹٫۷	۷۵٫۷۴	۴٫۵۵	۱۲۹
	۲	۷۰۳۱۸	۳٫۶۱	۲۰٫۵۱	۷۵٫۳۸	۴٫۱۲	۱۱۱
	۳	۲۰۸۸۷	۳٫۸۴	۲۰٫۱۲	۷۶٫۹۹	۳٫۱۳	۶۷
دوازده	۱	۲۰۵۳۰	۳٫۷۳	۲۹٫۸۸	۶۸٫۸۲	۱٫۳	۱۰
ثلثن	۱	۱۵۴۱	۵٫۲۱	۱۲٫۶۵	۷۹٫۶۲	۷٫۷۲	۲۰
	۲	۱۷۵۰۱	۳٫۴۵	۲۲٫۸۴	۶۶٫۵۳	۱۰٫۶۳	۱۴۷
	۳	۹۰۶۶	۳٫۶۴	۲۲٫۴۸	۶۶٫۶۱	۱۰٫۹۱	۹۰
	۴	۴۲۲۲	۳٫۵۵	۲۳٫۳۸	۶۵٫۱۶	۱۱٫۴۶	۷۳

ماخذ: مرکز آمار و اطلاعات شهرداری مشهد

۲) شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی

۲-۱) سواد

یکی از شاخص‌های مهم توسعه در هر منطقه سواد و آموزش می‌باشد (صفایی پور، ۱۳۸۹). سواد و میزان آموزش در هر جامعه‌ای نشان دهنده توسعه یافتگی اقتصادی و اجتماعی آن است. از طرف دیگر نیروی انسانی باسواد و آموزش دیده زمینه ساز رشد و توسعه اقتصادی در هر ناحیه شهری است. بنابراین بررسی و مطالعه وضع سواد برای توسعه پایدار شهری اهمیت و جایگاه خاصی دارد (پوراحمد، شمعی، ۱۳۸۰: ۲۰). طبق تعریف مرکز آمار از سواد، کسانی که بتوانند به زبان فارسی یا هر زبان دیگری متن ساده‌ای بخوانند و بنویسند با سواد محسوب می‌شوند (سالنامه آماری استان خراسان رضوی ۱۳۸۵: ۱۱۳). بر مبنای این تعریف و با توجه به آمار موجود ناحیه سه از منطقه ثامن با ۷۸,۳۲ درصد بیشترین میزان بی سواد را دارد. میزان سواد مردان ۸۲,۷۶ درصد و میزان سواد زنان ۷۳,۸۷ درصد می‌باشد. این ناحیه در هر سه گویه ذکر شده، سطح سواد و تحصیلات پایین را در بین نواحی دیگر شهر دارد. بیشترین میزان با سوادان در ناحیه پنج از منطقه هفت می‌باشد که میزان آن در گویه‌های سواد کل ۹۸,۹۵ درصد، میزان سواد مردان ۹۹,۲۸ درصد و میزان سواد زنان ۹۸,۳۹ درصد است.

۲-۲) سطح زیر بنای مسکن

از جمله شاخص‌های تحلیلی جمعیت که نشان دهنده سطح رفاه و برخورداری از امکانات فضای مسکونی و زیستی افراد می‌باشد، سطح زیر بناس است. هر چند که این شاخص در برخی موارد متأثر از فرهنگ مردم، سیاست‌های مسکن، اعم از شهرک سازی، انبوه سازی و سرانه تعیین شده از سوی مدیران شهری می‌باشد، در حالت کلی می‌توان از آن به عنوان یک معیار کمی مناسب جهت ارزیابی وضعیت اقتصادی در بین نواحی شهری استفاده نمود. در این راستا اکثر نواحی در غرب شهر مشهد دارای وضعیت نامناسبی می‌باشند، ناحیه سه از منطقه پنج سرانه سطح زیر بنای ۱۲,۲ مترمربعی برای هر نفر دارد در حالی که در منطقه یک، سرانه زیر بنا برای هر نفر ۴۳,۳ متر مربع می‌باشد. در بین نواحی این منطقه ناحیه یک سرانه ۴۸,۶ متر مربعی را دارد (جدول شماره ۲).

منطقه	ناحیه	سواد کل	سواد مردان	سواد زنان	سرانه زیر بنا
یک	۱	۹۶,۲۴	۹۷,۸۳	۹۴,۷۲	۴۸,۶
	۲	۹۶,۲۸	۹۷,۵	۹۵,۰۷	۴۷,۳
	۳	۹۵,۰۲	۹۷,۱۱	۹۲,۹۷	۳۵,۲
دو	۱	۸۹,۹۳	۹۳,۴۷	۸۶,۴۴	۲۶,۶
	۲	۹۱,۳۳	۹۴,۱۲	۸۸,۵۱	۲۳,۴
	۳	۹۲,۴۵	۹۴,۴۶	۹۰,۲۶	۲۱,۳۴
	۴	۹۳,۸۹	۹۵,۵۳	۹۲,۲۳	۲۶,۵۵
سه	۱	۹۲,۸۷	۹۶,۰۸	۸۹,۸	۳۰,۴
	۲	۸۹,۶۶	۹۳,۲۹	۸۶,۰۱	۲۰,۲
	۳	۸۸,۹۲	۹۱,۷۲	۸۶,۰۳	۱۶,۱
	۴	۹۱,۱۲	۹۳,۰۳	۸۹,۱۲	۱۵,۴

جدول شماره ۲: شاخص های اجتماعی و اقتصادی مورد مطالعه به تفکیک نواحی شهرداری مشهد					
منطقه	ناحیه	سواد کل	سواد مردان	سواد زنان	سرانه زیر بنا
چهار	۱	۸۸،۰۱	۹۲،۳۵	۸۳،۷۲	۱۸،۳
	۲	۸۸،۵۲	۹۲،۲۶	۸۴،۷۴	۱۵،۶
	۳	۸۸،۵۹	۹۲،۱۵	۸۴،۹۳	۱۴،۹
	۴	۸۵،۷۱	۸۸،۹۹	۸۲،۳۵	۱۳،۶
پنج	۱	۸۸،۰۴	۹۰،۹۴	۸۵،۰۸	۱۸،۲
	۲	۸۶،۶۲	۸۹،۷۷	۸۳،۴۳	۱۳،۹
	۳	۸۲،۴۴	۸۶،۵۷	۷۸،۲۶	۱۲،۲
شش	۱	۸۶،۸۹	۹۰،۴۳	۸۳،۲۳	۲۱،۱
	۲	۹۰،۶۳	۹۳،۵۴	۸۷،۶۹	۱۹،۸
	۳	۸۴،۰۱	۸۷،۱۵	۸۰،۸۶	۱۴،۸
هفت	۱	۹۰،۱۶	۹۳،۴۳	۸۶،۷۵	۲۳،۲
	۲	۸۹،۹۱	۹۳،۴۵	۸۶،۳۵	۲۴،۲
	۳	۹۱،۱۸	۹۳،۵۲	۸۸،۷۵	۱۷،۸
	۴	۹۳،۳۷	۹۵،۵۵	۹۱،۰۸	۲۰،۷
	۵	۹۸،۹۵	۹۹،۲۸	۹۸،۳۹	۱۳،۳
هشت	۱	۹۳،۵۹	۹۶،۳	۹۰،۷۱	۳۷،۸
	۲	۹۳،۵	۹۶،۲۵	۹۰،۵۸	۳۰،۶
	۳	۹۲،۲۱	۹۵،۱	۸۹،۳۲	۲۸،۸
نه	۱	۹۷،۱۲	۹۷،۹۵	۹۶،۳۴	۳۱،۴
	۲	۹۶،۴۲	۹۷،۷۶	۹۵،۰۷	۳۰،۹
	۳	۹۵،۷۲	۹۷،۰۲	۹۴،۴۱	۳۰،۱
ده	۱	۹۵،۱۹	۹۶،۸۷	۹۳،۴۸	۲۵،۸۳
	۲	۹۷،۰۸	۹۸،۴	۹۵،۷۹	۲۳،۹
	۳	۹۶،۶۶	۹۷،۷	۹۵،۶	۳۲،۴
یازده	۱	۹۵،۹۷	۹۷،۵	۹۴،۴۵	۳۳،۳
	۲	۹۷،۰۸	۹۸،۴	۹۵،۷۹	۳۳،۹
	۳	۹۶،۶۶	۹۷،۷	۹۵،۶	۳۲،۴
دوازده	۱	۹۶،۴۷	۹۸،۱۵	۹۴،۷۸	۲۱،۱
نهمین	۱	۹۴	۹۷،۲	۸۴،۵۷	۲۲،۷
	۲	۸۶،۴۶	۹۱،۲	۸۱،۷۲	۲۵،۷
	۳	۷۸،۳۲	۸۲،۷۶	۷۳،۸۷	۲۳،۹
	۴	۸۰،۱۷	۸۳،۴۴	۷۶،۵۷	۱۹،۳

ماخذ: مرکز آمار و اطلاعات شهرداری مشهد

• تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه ها

فرضیه شماره ۱: (رابطه بین شاخص های سواد، بعد خانوار و سرانه زیربنا، در بین نواحی)

در جدول شماره ۳ به بررسی رابطه بین متغیرهای بعد خانوار، سواد و سرانه زیربنا به عنوان مهمترین شاخص های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی پرداخته شده است. برای سنجش متغیرها از آزمون پیرسون استفاده شده است، زیرا سطوح سنجش متغیرهای مستقل و وابسته هر دو (فاصله ای - فاصله ای) می باشند. در بررسی رابطه بین بعد خانوار و سرانه زیر بنا، با عنایت به اینکه سطح معناداری محاسبه شده (sig) $0,00$ از سطح معناداری مورد نظر ($0,05$) کمتر می باشد، لذا این فرضیه تأیید می شود. به عبارتی بین دو متغیر بعد خانوار و سرانه زیر بنا رابطه خطی معنا دار حاصل آمده است. ضمناً نوع رابطه معکوس می باشد، یعنی اگر سرانه زیر بنا را شاخصی برای نشان دادن توان اقتصادی خانوار ها بدانیم، هر چه بعد خانوار بیشتر شده سرانه زیر بنا کمتر شده است همچنین شدت رابطه بین این دو متغیر $0/572$ - می باشد که بیانگر همبستگی متوسط است. این موضوع نشان دهنده این است که نواحی که دارای بعد خانوار بالایی هستند سرانه زیربنای کمتری نیز دارند. بنابراین در این نواحی شاهد افزایش میزان نفر در اتاق نیز می باشیم که این موضوع حاکی از وضعیت نامناسب در این نواحی می باشد. همچنین سرانه زیربنا با سواد نیز رابطه معنا دار دارد، در واقع نواحی که دارای سطح سواد بالاتری هستند سرانه زیربنا نیز در آنها بالا می باشد. به نظر می رسد که بین سواد و بعد خانوار در نواحی رابطه معکوس وجود داشته باشد و با افزایش سطح سواد، بعد خانوار کاهش یابد. ولی با توجه به نتایج آزمون، سطح معناداری محاسبه شده ($0,78$) از سطح معناداری مورد نظر بالاتر می باشد بنابراین این قسمت از فرضیه مطرح شده تأیید نمی شود (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳: آزمون پیرسون جهت بررسی رابطه بین بعد خانوار، سواد و سرانه زیر بنا

		بعد خانوار	سواد کل	سرانه زیربنا
بعد خانوار	Pearson Correlation	1	-.042	-.572
	Sig. (2-tailed)		.788	.000
	N	43	43	43
سواد کل	Pearson Correlation	-.042	1	.587
	Sig. (2-tailed)	.788		.000
	N	43	43	43
سرانه زیربنا	Pearson Correlation	-.572	.587	1
	Sig. (2-tailed)	.000	.000	
	N	43	43	43

فرضیه شماره ۲: (رابطه بین نواحی قدیمی شهر و نواحی جدید شهر در میزان جمعیت بالای ۶۵ سال) موضوع دیگری که در بررسی نتایج تحقیق کاملاً مشهود است رابطه بین سمت و سوی توسعه شهر با ساختار جمعیتی می باشد. به طور کلی در سالهای اخیر شهر مشهد به سمت غرب خود توسعه فیزیکی بیشتری داشته است و همین امر باعث شده است زوج های جوان بیشتری در این نواحی باشند که این امر در شکل گیری ساختار جمعیتی خاص آن موثر بوده است. با توجه به روند توسعه فیزیکی شهر که در نقشه شماره (۱۲) ملاحظه می شود مناطقی که تا قبل از سالهای ۱۳۴۵ رشد و توسعه یافته اند دارای ساختار سنی پیرتری هستند به نحوی که این قسمت از شهر را می توان منطبق بر نواحی دارای بیشترین جمعیت بالای ۶۵ سال که در نقشه شماره (۳)

نمایش داده شده است ملاحظه نمود. آزمون t یکی از روشهای پارامتری می باشد که به منظور دستیابی به اینکه آیا تفاوت بین میانگینهای دو گروه از نظر آماری معنی دار هست یا نه، مورد استفاده قرار می گیرد (کلاتری، ۱۳۸۷: ۱۱۸). اگر نواحی چهارگانه منطقه ثامن و ناحیه یک، مناطق هفت، هشت و شش و همچنین ناحیه یک و سه منطقه یک را داخل محدوده توسعه فیزیکی شهر قبل از سال ۱۳۴۵ بدانیم، میانگین جمعیت بالای ۶۵ سال آن ۸،۹۷ درصد می باشد در حالی که میانگین بقیه نواحی ۴،۲۷ درصد می باشد. نتایج این آزمون که در جدول شماره (۴) ملاحظه می شود، با توجه به اینکه سطح معناداری محاسبه شده ($sig > 0,05$) از سطح معناداری مورد نظر ($0,05$) کمتر می باشد، لذا این فرضیه نیز تأیید می شود که نشان دهنده وجود رابطه معنی دار در تفاوت بین نواحی قدیمی شهر با بقیه نواحی در میزان پیری جمعیت می باشد.

جدول شماره ۴: آزمون t جهت بررسی تفاوت بین نواحی در میزان جمعیت بالای ۶۵ سال بر اساس قدمت ناحیه

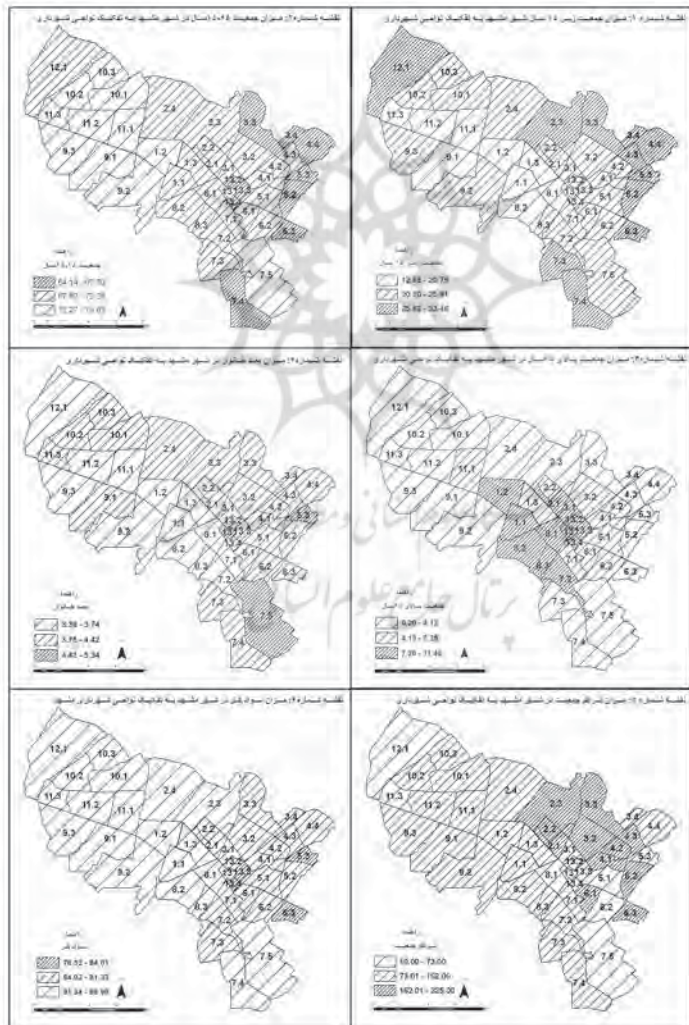
	جمعیت بالای سال ۶۵
Mann-Whitney U	24.000
Wilcoxon W	619.000
Z	-3.851
Asymp. Sig. (2-tailed)	.000
Exact Sig. [2* (1-tailed Sig.)]	.000

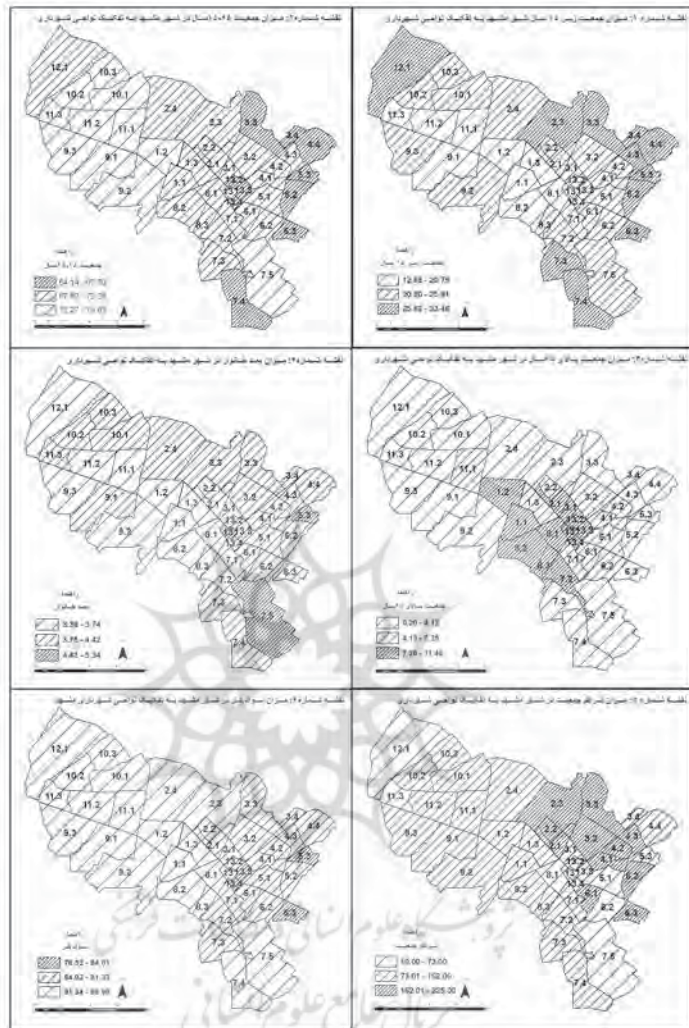
در مورد شهر مشهد مطالعاتی در مورد نحوه توزیع خدمات و امکانات و تأسیسات در بین مناطق شهری صورت گرفته است که در این مورد می توان به مقاله ای که در آن با استفاده از مدل موریس، سطح بندی مناطق صورت گرفته (خاکپور، ۱۳۸۵). همچنین در مقاله ای دیگر با توجه به سه ملاک اصلی توزیع عادلانه از نظر دیوید هاروی، یعنی نیاز خانوارها به امکانات فرهنگی، نفع عمومی و استحقاق، نحوه توزیع امکانات فرهنگی در بین مناطق شهر مشهد بررسی شده است (بهروان، ۱۳۸۵)، اشاره کرد. نقشه های شماره ۱۰ و ۱۱ بیانگر تفاوت های فضایی در سطح برخورداری مناطق از خدمات و امکانات شهری می باشد که نتایج این مطالعات نشان می دهد که توزیع امکانات در شهر عادلانه نبوده و مناطق شرقی مشهد وضعیت نامناسبی را دارد. شاخص های مورد مطالعه این مقاله نیز گویای وضعیت نامناسب این مناطق بود به طوری که اگر میزان زیر بنای مسکن را نشانگر وضعیت اقتصادی آنها بدانیم، تمرکز امکانات و خدمات شهری بر نواحی با سطح رفاه و زیر بنای بالا ثابت می شود.

• نتیجه گیری

همانطور که در نقشه شماره ۱۲ ملاحظه می گردد عدم تعادل در ساختار جمعیتی شهر مشهد بیشتر منطبق بر توسعه کالبدی در شهر می باشد. نواحی قدیمی تر (نواحی چهارگانه منطقه ثامن و ناحیه یک، مناطق هفت، هشت و شش و همچنین ناحیه یک و سه از منطقه یک) دارای جمعیت بالای ۶۵ سال بیشتر و ساختار جمعیتی سالمندتر می باشد. در مقابل این نواحی، نواحی چهار از مناطق سه و چهار و ناحیه سه از منطقه پنج که عمدتاً

در شرق و شمال شرق شهر قرار دارند، جمعیت زیر ۱۵ سال بیشتری دارند. همچنین نتایج تحقیق نشان دهنده این است که بیشترین تراکم جمعیت نیز در شمال شرق مشهد می‌باشد. با توجه به اینکه وضعیت سواد در سطح نواحی با سه گویه ی سواد کل، سواد زنان و سواد مردان سنجیده شده است نتایج نشان دهنده وجود افتراقات مکانی در میزان سطح سواد در بین نواحی مختلف شهری است. ناحیه سه از مناطق پنج و شش و همچنین نواحی سه و چهار از منطقه ثامن کمترین میزان سواد را دارد. بطور کلی می توان گفت نواحی شرقی و شمال شرق شهر کمترین میزان سواد را در بین نواحی دارد. همچنین مطالعه وضعیت توزیع امکانات و خدمات شهری در بین مناطق مختلف شهر بیانگر این نکته است که در نواحی که دارای وضعیت نامناسب از لحاظ ساختار جمعیتی و شاخص‌های فرهنگی، اقتصادی می باشند امکانات کمتری به آنها اختصاص یافته است. در حالی که در نواحی مرکزی شهر امکانات و خدمات بیشتری تمرکز یافته است.





• پیشنهادات

توجه مسئولین ذیربط شهری جهت مدیریت اصولی شهر بر مبنای مطالعات جمعیتی می تواند گامی موثر در راستای افزایش تعادل های فضایی و نیل به عدالت منطقه ای باشد. از مباحث مطرح شده و تجزیه و تحلیل داده ها چنین استنباط می شود که در شهر مشهد یک ناهمگونی در ویژگی ها و ساختار جمعیتی وجود دارد که بدین منظور باید برنامه ریزی اصولی مطابق با این ویژگی ها و ساختار صورت گیرد. مثلا عدم تعادل در ساختار سنی جمعیت لزوم توجه به مراقبت های سالمندی و ارائه خدمات متناسب برای نواحی که جمعیت بالای ۶۵ سال بیشتری دارد، را دو چندان می کند. همچنین برای ایجاد هماهنگی و تعادل در گروه های مختلف سنی جمعیت،

بخصوص در نواحی که دارای جوانی جمعیت است لزوم پیشگیری از زاد و ولد و سرمایه گذاری در امر آموزش ضروری به نظر می رسد. همچنین با توجه به این ساختار جمعیتی در خصوص مکان یابی مراکز آموزشی (مهد کودک، دبستان، راهنمایی)، توجه به این ساختار فضایی در شهر می تواند در برنامه ریزی ها موثر واقع گردد. و علاوه بر این با لحاظ چنین ساختار جمعیتی، توجه به کارکرد اجتماعی پارکهای همسایگی و محلی در این نواحی در راستای مدیریت اصولی شهر ضروری است. با توجه به نتایج تحقیق لزوم توجه و اولویت دهی بیشتر به امر آموزش و افزایش کلاسهای نهضت سواد آموزی در نواحی که دارای میزان سواد کمتری دارند ضروری به نظر می رسد. ساختار هر جامعه از عوامل مهم در ساخت مکانی می باشد، بدین سان که هر مکانی، نشان و نمادی از جامعه خود بشمار می آید. علت افتراق مکانها، تمرکز ارزشها، دیدگاهها، هدفها و تجربه های مختلف در آنهاست (شکویی، ۱۳۷۳: ۲۷۴). از طرف دیگر وجود نابرابری در کیفیت زندگی، گروه های محروم را متوجه گروه های مرجع نموده و مشکلات دیگری را ایجاد می کند (runicima، ۱۹۷۲). حجم جمعیت معمولاً معیار مناسبی برای تعیین میزان نیاز به خدمات مختلف شهری می باشد و در اغلب موارد در توزیع خدمات شهری، سرانه ای مشخص و معین به عنوان سرانه متوسط یا سرانه استاندارد در نظر گرفته می شود (ظهرایی، ملک آبادی، ۱۳۸۵: ۲). توزیع متعادل امکانات و خدمات گامی در جهت از بین بردن عدم تعادل های منطقه ای است؛ زیرا هر چقدر تفاوت های منطقه ای از ابعاد مختلف بیشتر باشد منجر به حرکت جمعیت و سرمایه به سمت قطب های پر جاذبه شده و در نهایت باعث عدم تعادل توزیع جمعیت در سطح منطقه خواهد شد (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۰: ۲۸). استراتژی تعادل بخشی به توزیع جمعیت باید متناسب با نحوه توزیع منابع و امکانات بالقوه برای توسعه و جذب جمعیت باشد. البته در اکثر موارد مسئولین شهری بدون داشتن یک سیاست بلند مدت به تمرکز امکانات و خدمات شهری در نواحی پر جمعیت و با تراکم بالا می پردازند که این امر منجر به تشدید عدم تعادل فضایی در جمعیت پذیری نواحی می شود. در حالی که توجه به پتانسیل ها و قابلیت های یک ناحیه شهری و لحاظ آن در سیاست گذاری های توسعه پایدار شهری می تواند در بلند مدت باعث تعادل بخشی توزیع جمعیت و ساختار جمعیتی شود. با توجه به اینکه نقش تمرکز امکانات و خدمات شهری در تمرکز جمعیت امری انکار ناپذیر است، در راستای تعادل بخشی به ساختار جمعیتی در بین نواحی شهری باید ضمن لحاظ جمعیت فعلی نواحی، در برنامه ها و سیاست های توزیع امکانات، به پتانسیل های بالقوه نواحی در توان جمعیت پذیری توجه شده و در اتخاذ برنامه های بلند مدت شهری لحاظ شود.

منابع

۱. اسدی خانوکی، محمد حنیف، (۱۳۸۵)، چکیده ای از نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ شهر مشهد، مرکز آمار و اطلاعات شهرداری مشهد
۲. بهروان، حسین، (۱۳۸۵)، آمایش فرهنگی و عدالت اجتماعی در مناطق دوازده گانه شهرداری مشهد، مجموعه مقالات کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری
۳. بیک محمدی، حسن، (۱۳۷۰)، نگاهی گذرا به ساختار جمعیتی سیستان و بلوچستان، مجموعه مقالات هفتمین کنگره جغرافیایی ایران، جلد اول، دانشگاه تهران
۴. پوراحمد، احمد، شمعی، علی، (۱۳۸۰)، توسعه فیزیکی شهر یزد و تاثیر آن بر ساختار جمعیت بافت قدیم شهر، مجله نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸
۵. حاتمی نژاد، حسین، فرهودی، رحمت الله، محمد پور جابری، مرتضی، (۱۳۸۸)، تحلیل نابرابری های اجتماعی در بر خورداری از کاربری های خدمات شهری اسفرا این، مجله پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶۵
۶. حسین زاده دلیر کریم، (۱۳۸۰)، برنامه ریزی ناحیه ای، انتشارات سمت، تهران
۷. خاکپور، براتعلی، (۱۳۸۵)، سنجش سطح بر خورداری مناطق شهر مشهد از نظر امکانات و خدمات فرهنگی با استفاده از مدل موریس، مجموعه مقالات کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری
۸. ربانی، رسول، (۱۳۸۱)، جامعه شناسی شهری، تهران: انتشارات سمت
۹. زنجانی، حبیب الله، (۱۳۷۸)، تحلیل جمعیت شناسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت
۱۰. زیاری، کرامت الله، (۱۳۷۹)، سنجش درجه توسعه یافتگی فرهنگی استان های ایران، مجله نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۰۴: ۹۱-۱۰۴
۱۱. شاهنوشی ناصر، گلریز ضیایی زهرا، باقری حمید رضا، (۱۳۸۵)، تعیین سطح توسعه یافتگی نواحی شهر مشهد، مجموعه مقالات کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری
۱۲. شکویی حسین، (۱۳۷۳)، دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، انتشارات سمت، تهران
۱۳. صفایی پور، مسعود، (۱۳۸۹)، بررسی قابلیت های توسعه استان های ساحلی خلیج فارس و دریای عمان، مطالعه موردی جمعیت، چهارمین کنگره جغرافیادانان جهان اسلام، زاهدان
۱۴. ظهراهی علی محمد، مختاری ملک آبادی رضا، (۱۳۸۵)، تحلیل شاخص های توسعه یافتگی مناطق بازده گانه شهر اصفهان، مجموعه مقالات کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری
۱۵. کلانتری، خلیل، (۱۳۸۷)، پردازش و تحلیل داده ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی، انتشارات فرهنگ صبا، تهران
۱۶. کیانی م، (۱۳۸۲)، تعیین درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان کردستان در سال های ۱۳۶۸، ۱۳۷۳ و ۱۳۷۸، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کردستان
۱۷. مرکز آمار ایران، (۱۳۸۴)، سالنامه آماری استان خراسان رضوی
۱۸. مرکز آمار ایران، (۱۳۸۵)، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سالنامه آماری شهرستان مشهد
۱۹. نظری، علی اصغر، (۱۳۷۲)، موانع ساختاری و اجتماعی جمعیت در توسعه انسانی ایران، مجله پژوهش های جغرافیایی، شماره ۳۳
۲۰. نظری، علی اصغر، (۱۳۸۲)، بررسی علل و اثرات رشد سریع جمعیت و نقش نامطلوب آن در توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران، مجله پژوهش های جغرافیایی، شماره ۴۴
۲۱. نورالهی، طه، فتحی، الهام، (۱۳۸۵)، شاخص های جمعیتی جهان و ایران، فصلنامه جمعیت شماره ۵۷-۵۸
۲۲. نیک خلق، علی اکبر، (۱۳۷۴)، مبانی جامعه شناسی، چاپ گوتنبرگ

۲۳. وارثی حمید رضا، قائد رحمتی صفر، باستانی فر ایمان، (۱۳۸۵)، بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت مطالعه موردی؛ مناطق شهر اصفهان، مجموعه مقالات کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری
۲۴. ولایی، ذکریا، (۱۳۸۷)، مفاهیم کلیدی در مطالعات شهری و شهرسازی، انتشارات افق دانش
۲۵. هاروی، دیوید، (۱۳۷۶)، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و همکاران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری
۲۶. هیراسکار، جی، کی، (۱۳۷۶)، درآمدی بر مبانی برنامه‌ریزی شهری، ترجمه محمد سلیمانی و احمد رضا یگانی فرد، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد دانشگاه تربیت معلم تهران
۲۷. یاسوری مجید، (۱۳۷۹)، تعیین درجه توسعه و رتبه بندی شهرستان‌های استان خراسان بر اساس شاخص‌های فصل و برنامه، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان، شماره نشریه ۱۴۵-۷۹
۲۸. ادیبی حسین، ۱۳۵۴، اکولوژی انسانی، مجله محیط شناسی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱-۱۲
۲۹. آنامرادنژاد، رحیم‌پردی، (۱۳۸۷)، جایگاه توسعه یافتگی استانهای کشور در شاخص‌های بخش کشاورزی، فصلنامه روستا و توسعه، ۱۱(۳): ۱۷۳-۱۹۴
۳۰. حکمتی فرید، (۱۳۸۲)، رتبه بندی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی از نظر توسعه، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان شرقی
۳۱. شاطریان محسن، (۱۳۸۲)، تحولات جغرافیایی و جمعیتی در منطقه کاشان، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۶ صص ۶۳-۷۳
۳۲. شکویی، حسین (۱۳۷۲)، جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۳۳. مهدوی مسعود، (۱۳۷۳)، اصول و مبانی جغرافیای جمعیت، انتشارات قومس.
34. Collicelli, C, and M. Valaril (2000): A new methodology for comparative analysis of poverty in the mediterranean. A model for diferential analysis of poverty at regional level fondation consis, working paper No. 0920330
35. Runicima ,W.G (1972): Relative Deprivation and social Justice, U.K
- Fellman, j, Getis, A, Getis, J, 1990, Human Geography, land scapes of human activites, 2 nd, ed, Wm, c. Brown publishers.
36. Robertson, I, (1971): The occupation, sture and distribution of rural population in G.B
37. Widner, R. (2003). planning law primer, basics of variances, planning commission journal, No. 50.